

یادداشت

توکیو نماد توسعه و پیشرفت شهری



محمد حسین واحدی

کارشناس مسائل بین الملل

توکيو شهری پيشرفته و پرجمعيت است، به طورى حدود ۲۷ ميليون نفر در آن زندگى مى‌کنند. توكيو را البته نبايد هيچ شهرى بلكه استان قلمداد کرد چرا که اين شهر فقط جمعيت و وسعت تميز بزرگ که بالند و پاریس مقایسه می‌شود. این شهر در اندک دهکده ماهیگیری کوچک بود. پیاپیخت زمین نيز جای دیگری به نام کیوتو بود. کیوتو نیز محل زندگى امپراتور ژاپن بود. در حالى که توکیو محل زندگى شگوفى بخش سامورای ایش بود. توکیو رفته رفته به یک شهر بزرگ تبدیل شد. توکیو در قرن ۱۸ به یکی از شهرهای بزرگ جهان تبدیل شد و تبدیل در سال ۱۹۴۳ با حومه‌های خود ترکیب شد و شهر به استان گشت. توکیو هم اکنون یکی از بزرگ‌ترین شهرهای جهان از نظر جمعیت و وسعت است، به طوری که این شهر سومین بورس و بازار مالی جهان به حساب می‌آید. حتى پسران گزینان اقتصاد دنیا در آمارهای باشد. توکیو از نیویورک دومین شهر ثروتمند جهان است. دفتر ۳۸ شرکت از ۵۰۰ شرکت برتر جهان در توکیو قرار دارد. به علاوه همه آنها توکیو پیشرفته‌ترین شهر دنیا از لحاظ تکنولوژی به حساب می‌آید، چرا که در این شهر همه چیز هوشمند هستند. از چراغ‌های راهنمایی و راهنمایی هوشمند، تعداد زیادی وندینگ ماشین و... اشاره کرد. از نظر حمل و نقل نیز توکیو خیلی شهر پیشرفته و باتنوع می‌باشد. به طوری که توکیو شامه‌ها روز قطار شهری، مترو، مونریل، واگن برقی و اتوبوس را نیز مشاهده می‌کنید. قطارهای پرسرعت ژاپن نیز که با معناطیس کار می‌کنند در جهان منحصر به فرد است. همچنین توکیو دارای کلی فضای سبز پس از فرانسه همچنان در ژاپن می‌باشد. همچنین هوای پاکیزه‌ای با وجود تعداد زیادی شرکت و تردد می‌باشد. با وجود جمعیت و تردد زیاد در توکیو نظم زیادی حاکم است. توسعه رفاه و مالی توان نظم و انضام توکیو شاهکار است. متعلق به ما

ایرانی ها در ساخت و توسعه الگوی خوبی باشد، چرا که آنها از دل یک جنگ بزرگ جهانی توانستند، با سیریلندی بیرون بیایند. هر چند که در جنگ ششک خود رندولی در زمان کمی توانستند کشور و اقتصاد را بازیابی کنند. بنابراین، بازسازی که جهان را در بهت و شوک فروبرد. این بازسازی به طوری رخ داد که این را تمام اقتصاد دوم جهان صاف کرد. این بیطرف حاصل روحیه و فرهنگ صفا، کار جمعی و رشد پیشرفت در بر اساس منفعت شخصی بلکه غیر عمومی است. توسعه محور بودن این کشور از انقلاب میجایی بلکه در اواخر حکومت توکگاوا و سلسله شوگان ها شروع شد. سیاست درهای باز از آن زمان در زاین شروع. دوباره در زمان جنگ جهانی دوم متوقف و پس از جنگ جهانی دوباره درهای زاین به روی جهان کشوده شد. اینها همگی محور سازش بذیری و فرهنگ ملت این کشور است. زاین توانست با ایجاد قدرت اقتصادی خود در جهان خارج خود در جنگ جهانی را جبران کند. چرا که هم اکنون وابستگی زیاد اقتصادی جهانی در شهر توکوجو و این همه منابع اقتصادی و پویایی ایجاد شده بدون وجود هیچ گونه منابع انرژی و معدنی ایجاد شده است. فقط در منطقه هاکی آبا را توکیو می توانید شاهد جهانی از صنعت گیرم و انیمه باشید. در نقطه دیگری از این شهر ستوران ریز با تیر می توانید دریای و شبهه ساحلی مانند دریای فیلم و سرال را تجربه کنید. علاوه بر این وجود مکان هایی مانند کافه، کافه حیوانات، کافه ربات ها... را می توانید در این شهر زیبای توسعه یافته تجربه کنید. چیزی که کشورهای ایران می توانند با استفاده از به روزی ها به آنها یاد بگیرند.

خبر

جوان ۲۴ ساله با ۱۳ همت

تراکنش بانکی

به گفته سخنگوی بانک مرکزی حساب افرادی که مظنون به پولشویی بودند، مسدود شد که یکی از آن‌ها جوانی ۲۴ ساله با تراکنش ۱۳ هزار میلیارد تومانی بوده است. به گزارش تابناک به نقل از فارس؛ سخنگوی بانک مرکزی محمد شیرچیان دیروز سه‌شنبه با اعلام اینکه حساب ۲۵۱ نفر از مظنونین به پولشویی و اخلاخل در بازار ارز مسدود شده گفت که این افراد بیش از ۶ هزار حساب و تراکنش ۲۱۰ همتی در چند روز اخیر در بازار ارز داشتند که شناسایی شدند. براساس اعلام سخنگوی بانک مرکزی یک نفر از مظنونین این پرونده که ۲۴ سال سن دارد به تنهایی بیش از ۱۳ همت تراکنش بانکی داشته است. همچنین پرونده ۱۳ نفر از مظنونین پولشویی و اخلاخل در بازار ارز به قوه قضائیه ارسال شد و با بیان اینکه حساب‌های افراد که مشکوک به عملیات پول شویی و اخلاخل در بازار هستند، بر اساس ماده ۴۴ قانون بانک مرکزی مسدود شده است؛ گفت: بانک مرکزی با همکاری مرکز اطلاعات ملی و وزارت اقتصاد این اقدامات را به صورت مستمر ادامه خواهد داد و برخورد قانونی با کلیه حساب‌ها و افراد مشکوک به پول شویی انجام می‌شود. پرونده این افراد نیز به مراجع قضایی ارسال خواهد شد. سخنگوی بانک مرکزی همچنین از مردم خواست که از هرگونه تراکنش و مرادده مالی با حساب‌ها و افراد مشکوک به پول شویی خودداری کنند، چراکه این موضوع تبعات قانونی و قضایی داشت و می‌تواند منجر به متضرر شدن شهروندان شود.



غلامرضا انصاری در گفت و گوبا «آرمان ملی»:

دولت پزشکیان

گرفتار سیاست های نوسانی



دولت پزشکیان هنوز در درون خود به وفاق نرسیده است

هرچه دولت بیشتر کوتاه بیاید تندروها طلبکارتر می شوند

پزشکیان پاسخ بدهد وفاق کدام مشکل کشور را حل کرده است؟

اقتصادی روشنی، کاهش تنش‌های فرساینده همراه با افزایش ظرفیت اجزای جمله مهم‌ترین پیامدهای این نوع سیاست است. با این وجود اگر پی‌اچ‌پی‌ای و جی‌دپ‌اچ‌پی‌ای مردم بیشتر چند صداتی، این وضعیت تصمیم‌های سخت و جا به جایی قابل پیمایش بینند حق دارند بپرسند وفاق دقیقاً کدام مسأله را حل کرده؟ «جملات ذکر شده اظهارات دکتر غلامرضا انصاری فعال سیاسی اصلاح طلب در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. انصاری در این گفت‌وگو به مهم‌ترین چالش‌های درونی و بیرونی دولت مسعود پزشکیان درباره وفاق اشاره کرده که در ادامه می‌خوانید.

آرمان ملی - احسان انصاری: اوقتی چند تصمیم‌گیری، چه روایت رسمی و چند خط می‌همان دیده شود نتیجه آن عمل، تناقض و سیاست‌های نوسانی خواهد شد. در این وضعیت جامعه یک پیام مهم در دریافت می‌کند که دولت یا بر سر مسیر به توافق نرسیده و یا توان اعمال توافق را ندارد. این همین نقطه‌ای است که توافق به جای انجماب به تعلیق تبدیل می‌شود. دولت همچنین با فقدان شاخص‌های سنجش‌پذیر برای موفقیت توافق مواجه است. اگر توافق‌ها باشد باید خروجی داشته باشد. تصمیم و اجرای چند سیاست کلیدی، ثبات در زمینه‌های اصلی و پیام

آیا دولت پزشکیان نیز مانند دولت‌های گذشته به روزمرگی افتاده است؟

واقعیتی این است که از آغاز دولت پرنشانیان در امرود مذهب وفاق به برکاربردترین واژه دولت تبدیل شده است. واژه ای که در ظاهر هر دو مذهب به اقلیت چهره دارد یعنی بوده است. تجربه یک سال و چند ماه اخیر نشان می دهد که «وفاق» در تمام عمل نه به یک ائتلاف برنامه ای قابل سنجش تبدیل شده و نه به انسجام تصمیم گیری در دولت انجامیده است. آنچه آشکار است همه به چشم می آید شکاف بین شعار و اجراست. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که وفاقی که تعریف عملیاتی ندارد در باره به پوشش برای تعویق تصمیم های سخت و توجیه نوسان مدیریتی بدل می شود. از سوی دیگر ابهام و بی هدفی به مفهوم وفاق شکل شده است. وفاق بر محور اهداف و سیاست های شخصی تعریف نشود عملاً به یک توصیه اخلاقی فرارگشته می شود. این توصیه اخلاقی می تواند شبیه این باشد که رئیس جمهور بگوید «همه با هم خوب باشیم». اداره کشور و روشن کردن وفاق به این توصیه ای اخلاقی پیس نمی رود. دولت باید واژه ای که دارد یعنی توافق بر سر عدم اولویت های ملی، آنچه زمان بندی و باجه ابراهای الزام، و وقتی این چارچوب روشن نیست هر عقب نشینی یا هر انتصاب پرحاشیه می تواند وفاق نام بگیرد و هر مطالبه اصلاحی می تواند تفرقه افکنی تلقی شود. این آرونگی خطرناک است. در واقع به جای دوام وفاق قدرت تصمیم گیری بسیار قدرت پاسخگویی را بر سروده می گذرد.

مفهوم وفاق از درون باضعف تئوری مواجه بود و یا با فشارهای بیرونی به حاشیه رانده شد؟

من معتقدم آنچه رخ داد تبدیل وقایع به امتیازدهی است. دستاورد در برابر مخالفان و دلواپسان است. تجربه سیاسی بزرگ نشان داد که بخشی از جریان‌های تندرو همکاری را نه فرآیند قرار داد و طرفه، بلکه یک میدان می‌شناسد. هرچه در عقب‌تر بنشینند فشار بیشتری می‌شود و هرچه دولت تهاوت‌تر بیاید، تندروها طلب‌کارتر می‌شوند. اگر دولت در مقابل امتیازها تعهد مشخص و خروجی ملموس مطالبه نکند یا همکاری در تصویب و اجرای سیاست‌های کلیدی به وقایع به معامله‌ای از طرفه تبدیل شود به همان میزان دولت هزینه می‌دهد و یک طبقه سود می‌برد. در چنین شرایطی مردم ستاوردی نمی‌بینند و حامیان دولت نیز احساس می‌کنند

ثبات در تیم‌های اصلی و پیام اقتصادی روشن، کاهش تنش‌های فرساینده همراه با افزایش ظرفیت اجراء از جمله مهم‌ترین پیامدهای این وضعیت است. با این وجود اگر پس از یک سال و چند ماه مردم بیشتر چند صدائی، تعویق تصمیم‌های سخت و جایه خالی کتابکی ببینند حق دارند بپرسند وفاق دقیقاً کدام مسأله را حل کرد؟

❖ یعنی معتقدید این مفهوم هیچ کمکی به دولت نکرد؟

این سوال را باید دولت پاسخ بدهد که وفای چه کمترین به حل مسائل کشور است؟ دولت باید این نکته را ببیند که وفای خروجه می‌شود تبدیل می‌شود به یک برند سیاسی برای مدیریت انفعالی و نه مدیریت کشور. در این زمینه بنده به چند مورد تاریخی اشاره می‌کنم. در سنت ثوئیوی وفای چارجران قلب به قیمت معادل از اختلاف تأوییه پذیر نیست. اختلاف امام علی (ع) با معاویه بخلاف سلیقه نبود که با تقسیم سهم و تعدیل موضع حل شود بلکه اختلاف بر سر حق، عدالت، آزادی و سازوکار حکومت بود. ابن قیاس نه برای شعار دادن و بلکه برای یادآوری اصل حکمرانی است. «معیار مخدوش شد آثمی ظاهر می‌گردد» یا عدالتی پایدار تبدیل نمی‌شود. دولت همگی به نام وفای مرزهای برنامه و اصول راهبهم کند در نهایت نه اصلاح می‌کند و نه آرامش می‌آورد فقط زمان می‌خرد و آن هم به قیمت فرسایش نابودی اعتماد عمومی. تمثیل نوبتال به هیبت جنس انسان می‌فوق اول سبک بازی واضطبات تاتیکتی دارد، بدست انداختن می‌گرد و نه اینکه برای آرام کردن سکوها؛ ذخیره‌های تیم رقیب یابگیری کند و انتظار هماهنگی داشته باشد. جذب نیروهای متنوع زمانی مفید است که در چارچوب یک نقش‌بازی روشن قرار بگیرد. در غیر این صورت نتیجه همان چیزی است که امروز شاهد می‌شود: رختکن چندباره، پیام متناقض، و دولتی که بیش از آنکه مهاجم حل مسأله باشد، مدافع دفع فشارهای روزانه است. من معتقد دولت چهارم اگر می‌خواهد وفای رازا شعاع به واقعیت تبدیل کند باید آن را برنامۀ جدی متحد و منعقد کند. این زمینه نباید به چند مسأله جدا متوجه شود. تعریف دقیق اهداف و خطوط قرمز، ائتلاف برنامه‌ای نه صرفاً ترکیب سیاسی، فرماندهی واحد و سخنگویی منسجم مهمتر از همه هزینه دار در کارشنکی وی مسئولیتی باران تحمیلی دارند و واقعاً می‌خواهد به مفهوم وفای پایبند باشد باید به این نکات توجه کند.

ابهام و بی‌مرزی به مفهوم وفاق نزدیک شده است. وفاق اگر بر محور اهداف و سیاست‌های مشخص تعریف نشود به یک توصیه اخلاقی فروگذاشته می‌شود. شبیه این توصیه اخلاقی که رئیس‌جمهور بگوید «همه با هم خوب باشیم»

سرمایه اجتماعی شان خرج کاهش اصطکاک سیاسی شده و نه افزایش کارآمدی. نکته مهم دیگر اینکه ناهماهنگی عملی داخل دولت است. در واقع دولت هنوز در درون خودش به توافق نرسیده است. در چنین شرایطی اختلاف های ناهموگون نمی تواند نقطه قوت باشد و تنها در شرایطی این اتفاق رخ می دهد که فرماندهی واحد، پیام واحد و اولویت های دقیق وجود داشته باشند. وقتی چند تصمیم گیری، چند روایت رسمی و چند خط مشی همزمان داده شود نتیجه آن، تعلل، تناقض و سیاست های نوسانی خواهد شد. در این وضعیت جامعه یک پیام ساده دریافت می کند که دولت با هر مسیری که به توافق نرسیده و یا توان اعمال توافق را ندارد. این همان نقطه ای است که وفای به جای انسجام به تعلیق تبدیل می شود. دولت همچنین با فقدان شاخص های سنجش پذیر برای موفقیت وفای مواجه است. اگر وفای واقعی باشد باید خروجی داشته باشد. تصویب و اجرا چند سیاست کلیدی،

تجربه سیاسی ایران نشان داده بخشی از

جریان‌های تندرو هم‌کاری رانه‌یک قرارداد دو طرفه، بلکه یک میدان فشار می‌دانند. هرچه دولت عقب‌تر بنشیند فشار بیشتر می‌شود و هرچه دولت کوتاه‌تر بیاید، تندروها طلبکارتر می‌شوند

حسین مرعشی:

شرایط کنونی به عنوان «وضعیت اضطراری» تلقی شود

شد، این بود
یک
راتخانه‌های

بر واقعیت‌های عینی کشور، تصمیمات اساسی
بگیرد. مگر تغییر یک وزیر جهاد کشاورزی واقعا
چقدر دشوار یا هزینه‌بر است؟

نیاز به تصمیم اساسی

وی تصریح کرد: زمانی که از فساد موجود در وزارت کشور سخن گفته می شود باید توانایی بانک مرکزی مطرح می شود، باید تصمیمات اساسی گرفت. وقتی مقایسه می کنیم که در دوره آقای همتی در دوران ریاست جمهوری آقای روحانی، هنگام تحویل بانک مرکزی فقط هشت و نیم میلیارد دلار ذخیره آسانسری دلار و یورو در کشور وجود داشت، اما امروز برای پرداخت رقمی حدود ۴۰۰ میلیون دلار با مشکل درازندگاه کشی های آماده تخلیه در بند امام (ره) را بتوانند تخلیه برون رفت می شود. که کشور با نثرانی می سابقه روبه روش می صنعت پتروشیمی می دهد که مدیریت اقتصادی و اجرایی کشور نه تنها از حالت متعارف خارج شده، بلکه وارد مرحله ای شده است که نیازمند اقدامات فوری در سطح اضطراری است. بنابراین یکی از آقای پزشکی می تواند تصمیم گیری کند یا اگر می تواند باید افراد قوی و توانمند را دعوت کند. ضمن اینکه باید درباره واقعیت های کشور براساس عدد و رقم در محضر رهبری بحث و بررسی میانی آن تصمیم گیری های لازم صورت پذیرد. بنابراین انتخبات باید از نگاه مردمی اتخاذ شود.

بعد به آقای پزشکشان نیز
که علاوه بر معاون اول و معاون
معاون سیاسی نیز تعیین شد
کشور، اطلاعات، دفاع و امور
معاون سیاسی قرار گیرند. یک
تعیین شود که ستاد اقتصاد
برنامه و بودجه، و وزارت اقتصاد
بانک مرکزی را یکپارچه مدیریت
یک معاون فرهنگی تعیین شد
شورای انقلاب فرهنگی را برعهده
این پنج معاون، به اضافه رئیس
مجلس و رئیس و فقهی و
رهبری به صورت هفتگی، و
بررسی و درباره مسائل لازم
صرف انتقال «اختیار» به سراسر
بلکه رهبری باید به شکل ما
مسائل قرار گیرند و رندها را
قاطع عرض می‌کنم: به دست
نتانیاهو با جنگ و فشار سیاسی
جمهوری اسلامی انجام دهد
می‌تواند انجام دهد. بحران تا
که اکنون در چند قدمی است
پتانسیل را دارد که مردم گرسنه
بکشاند. این خطر جدی و بیهوش
و هیچ تعارفی با آن نمی‌تواند
به صورت جدی به آن پرداخت
به رهبری باید مدخل چندانی
باید از چارچوب‌های موجود

[illegible]

گزارش

تاخیر دیپلماتیک و پیامدهای منطقه‌ای

روابط تهران-بیروت در پیچ حساس

روابط ایران و لبنان، از قدیمی ترین مناسبات منطقه ای تهران و خاورمیانه به شمار می رود؛ پیوندی به درغم هزاران فرودهای متعدد، همواره جایگاهی راهبردی در سیاست منطقه ای ایران داشته است. با این حال انتشار اخباری درباره در پیگیری سفیر جدید ایران در بیروت و گمانه زنی ها درباره نقش وزارت خارجه لبنان در این روند، توجه ناظران سیاسی را به خود جلب کرده و پرسش هایی را درباره آینده روابط تهران - بیروت برانگیخته است. در واکنش به این موضوع، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست خبری اخیر خود اعلام کرد که فرایند معرفی سفیر جدید آغاز شده و روابط دو جانبه لبنان برقرار است. او با اشاره به حضور سفیر فعلی ایران در لبنان و استقرار سفیر جدید لبنان در تهران، افزود امیدواری کرده این روند به صورت طبیعی پیش برود و از طرح اظهاراتی که می تواند لبنان را از تمرکز بر حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود دور کند، پرهیز شود. لبنان در سال اخیر درگیر مجموعه ای از بحران ها و پیچیده و مهم زمان بوده است؛ از پیمادهای انفجار بندر بیروت گرفته تا بی ثباتی سیاسی و افزایش نفوذ بازیگران خارجی. در این چارچوب، بیروت تلاش می کند روابط خود با ایران را در کنار احیای مناسبات با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تنظیم کند. تهران همواره لبنان را متحدی استراتژیک و یکی از دروازه های مهم خود به جهان عرب می داند. حمایت از مقاومت لبنان در برابر اسرائیل، یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی ایران بوده و حزب... به عنوان یکی از بازیگران کلیدی لبنان نقش مهمی در این چارچوب ایفا کرده است. اما تضعیف روابط رسمی دیپلماتیک می تواند علاوه بر کاهش سطح مواجهه کند.

◀ بازسازی روابط

در شرایطی که کشورهای عربی با حمایت غرب، در حال بازسازی و تقویت نفوذ خود در لبنان هستند، هرگونه تلاش دیپلماتیک از سوی ایران می تواند این روند را تسریع کند. از این رو، بازسازی و تقویت سریع روابط با بیروت بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز از زمان روی کار آمدن در ششام دو بار به بیروت سفر کرده و دیدارها و رایزنی های دیپلماتیک با مقامات کشور لبنان انجام داده است. مردم در دیدار با مقام های لبنانی بر احترام به تصمیم مردمان این کشور و توازن در محور مقاومت تأکید کرد.

◀ هدف دولت لبنان

یک کارشناس مسائل بین‌الملل تأخیر در استوارسازی سفیر جدید ایران در بیروت را نشانه‌ای از استوارپذیری دولت جدید لبنان از فشارهای خارجی ارزیابی کرد. حسن‌های زاده گفت: خودداری دستگاه دیپلماتیک لبنان از پذیرش استوارنامه سفیر جدید ایران و امتناع وزیر خارجه این کشور از ارسال آن به رئیس‌جمهور، نشان می‌دهد دولت نواف سلام، نخست‌وزیر لبنان تحت فشار میان بازیگران خارجی قرار دارد و در تلاش است جایگاه و نفوذ ایران در لبنان را کاهش دهد. به گفته او، روابط ایران و لبنان بر دو مؤلفه اصلی استوار است: نخست، مناسبات رسمی و متعارف دیپلماتیک میان دو دولت که به تغییر ترکیب قدرت سیاسی در لبنان، با طوایف طبیعی دستخوش تحول می‌شود. هانی زاده در این باره توضیح داد: نیم‌حاکم در لبنان، همسو با سیاست‌های دولت آمریکا در پی آن است که برای دریافت کمک‌های مالی بیشتر از ایران، پروژه تضعیف حزب... و کاهش نفوذ منطقه‌ای غریب را دنبال کند. در همین چارچوب گرایش آشکار وزیر خارجه لبنان به آمریکا و کشورهایی اروپایی قابل تحلیل است. این کارشناس مسائل بین‌الملل مؤلفه دوم روابط تهران و بیروت را نفوذ معنوی و جایگاه اجتماعی ایران در لبنان دانست و تأکید کرد: برخلاف فشارهای سیاسی، ایران از پشتوانه اجتماعی قابل توجهی در میان طوایف مختلف لبنان برخوردار است. به گفته او، مسیحیان و مسلمانان سنی و شیعه لبنان نگاه مثبتی به ایران دارند و این سرمایه‌های اجتماعی، یک پشتوانه مهم برای تهران به شمار می‌رود. هانی زاده افزود: بیش از ۵۰ کرسی پارلمانی در اختیار جریان‌های نزدیک به حزب... و مملو مقاومت است و این موضوع نشان دهنده وزن بالای سیاسی و اجتماعی این جریان در ساختار قدرت لبنان است. او با انتقاد از رفتار اخیر دولت لبنان تصریح کرد: به نظر می‌رسد دولت جدید لبنان اولین رویکرد، یک خطای سیاسی جدی شده است؛ زیرا چنین اقداماتی می‌تواند این دولت را تقابل با بخش قابل توجهی از افکار عمومی لبنان قرار دهد. این کارشناس مسائل بین‌الملل تأکید کرد: حزب... در شرایط کنونی تلاش می‌کند از تشدید اختلافات داخلی جلوگیری کرده و همزمان نقش یک حلقه ارتباطی فعال تر میان ایران و دولت جدید لبنان را ایفا کند. به باور او، این مسئله می‌تواند در آینده نزدیک به کاهش تنش‌ها و حل‌وفصل سوءتفاهم‌های دیپلماتیک منجر شود. هانی زاده با اشاره به پرسش درباره رهبر ایران برای حفظ نفوذ و تأثیرگذاری خود در لبنان و منطقه خاورمیانه، گفت: حفظ این جایگاه نیازمند زمان، صبوری و ابتکار عمل دیپلماتیک است. به گفته او، حزب... از سازوکارهای لازم برای تقویت ارتباط میان تهران و بیروت برخوردار است، اما فشارهای خارجی در سطح بالای قرار دارد. به گفته هانی زاده، تلاش کنونی حزب... بر ایجاد نوعی وقاف و تفاهم میان ایران و دولت لبنان متمرکز شده است و در این میان، بنیه بری، رئیس پارلمان لبنان نیز در حال رایزنی با نخست‌وزیر و وزیر خارجه این کشور برای حل اختلافات موجود است. این تحلیل‌گر مسائل منطقه‌ای در پایان تأکید کرد که آینده روابط تهران و بیروت، بیش از هر چیز به مدیریت فشارهای خارجی و توان طرفین برای حفظ گفت‌وگو و پرهیز از تصمیم‌های شتاب‌زده بستگی دارد؛ منتسبی که در صورت لی شدن، می‌تواند از تبدیل یک تنش دیپلماتیک به شکافی عمیق‌تر در روابط دو کشور جلوگیری کند.